



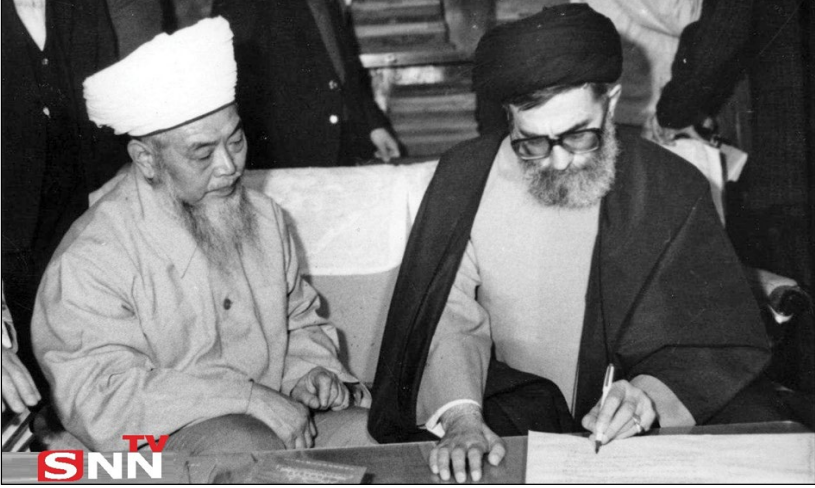
مدیریت بحران رهبر شهید انقلاب اسلامی را اگرچه تاکنون در چند مطلب بلند تفصیلی و موضوعی از زمان آغاز پیروزی انقلاب در هفته‌های گذشته به تناسب فرصت و امکان بیان کردیم؛ اما با این وجود به‌صورت منظم و واقعه شمار هرچه بیشتر به جلو گام برمی‌داریم ابعاد تأثیر مثبت اقدامات ایشان در حوزه مدیریت بحران به‌ویژه در مباحث جنگ و عرصه سیاست و دیپلماسی که امروز بیشتر از هر زمان دیگر درگیر این دو هستیم نمایان می‌شود؛ لذا بازخوانی تجارب و اقدامات ایشان به تناسب رویدادها و وقایع می‌تواند آینه و راهنمای دقیقی برای ادامه مسیرصحیح رشد و پیشرفت انقلاب اسلامی باشد.

**شکوه انقلابی در کره‌شمالی**

آیت‌الله خامنه‌ای، در زمان ریاست‌جمهوری از ۱۹ تا ۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۸ به کشورهای چین و کره‌شمالی سفر کردند که آثار این سفر را با وجود گذشت ده‌ها سال از آن و تحولات متنوع جهانی باز هم امروز در روابط نزدیک و راهبردی بین دو کشور می‌بینیم.

سفر به کره‌شمالی مورد توجه حضرت امام خمینی(ره) قرار گرفت و به گفته مرحوم حاج احمد آقا خمینی(ره)، امام مشتاقانه این سفر را از سیمای جمهوری اسلامی ایران پی می‌گرفتند. زنده‌یاد حاج احمد خمینی با ملاحظه استقبال مردم از ایشان و مذاکرات معظم‌له با مقامات کره‌شمالی، به صلاحیت آیت‌الله خامنه‌ای برای رهبری ایشان اشاره فرمودند: «وقتی که آیت‌الله خامنه‌ای در سفر کره (شمالی) بودند، امام گزارش‌های آن سفر را از تلویزیون می‌دیدند. از آن منظره دیدار از «کره»، استقبال مردم و سخنرانی‌ها و مذاکرات آن سفر، خیلی جالب بود و امام با مشاهده این اخبار گفته بودند: «الحق ایشان شایستگی رهبری را دارند».

مرحوم، آیت‌الله خاّری شیرازی خاطراتی مربوط به قبل از اعلام عمومی و رسمی آن نقل می‌کنند: «پس از پایان جلسه و در حالی که هنوز نتیجه رأی‌گیری مجلس خبرگان به رادیو و تلویزیون اعلام نشده بود، آیت‌الله جنتی نزد من



آمد و از من خواست که به اتفاقش برای تسلیت به مرحوم حاج احمد خمینی به جماران برویم. بعد از این که خبر رأی‌گیری مجلس خبرگان و نتیجه آن را به اطلاع ایشان رساندیم، ایشان گفت: «قلب امام(ره) را خشنود کردید.» و ادامه داد: «به اتفاق امام(ره) پای تلویزیون نشستیم و بودیم و مراسم سان دیدن رئیس‌جمهور به همراه کیم ایل سونگ رهبر کره‌شمالی از تشریفات را تماشا می‌کردیم. من دیدم که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در حرکت‌شان بسیار باوقار هستند و این موضوع را به امام(ره) نیز گفتم. ایشان فرمودند که هر چه فکر می‌کنیم، می‌بینم که آیت‌الله خامنه‌ای برای رهبری مناسب‌ترین فرد هستند.» اما این موضوع قبل از رأی‌گیری هرگز مطرح نشد.

**سفر به چین**

آیت‌الله خامنه‌ای در سال ۶۸ و قبل از رحلت حضرت امام خمینی(ره) به‌عنوان رئیس‌جمهور به چین نیز سفری داشتند. در این سفر که به‌منظور پیگیری همکاری‌های فی‌مابین در عرصه سیاسی و اقتصادی صورت گرفته بود، ایشان برای صرف غذا از تشریفات معمول و مرسوم دیپلماتیک پرهیز کردند و به یک رستوران عمومی مراجعه می‌کنند.

بسا توجه به اینکه در کشور چین غذاهای مختلفی پخت و پز می‌شود که با احکام اسلامی همخوان نیست، آیت‌الله خامنه‌ای و تیم همراه تصمیم می‌گیرند به رستوران عمومی «المعلم الاسلامی» بروند که فقط غذای حلال تهیه و

شهادت «صنعت افتخاری» معاون فرهنگی و اجتماعی فرماندهی انتظامی سیستان و بلوچستان، بار دیگر جلوه‌ای ماندگار از تلفیق رسالت مادی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی زنان در خط مقدم خدمت و امنیت را در جنوب‌شرق کشور به تصویر کشید.

نقش‌آفرینی زنان در سطوح مدیریتی، سیاست‌گذاری‌های کلان و عرصه‌های راهبردی، همواره از شاخص‌های برجسته توسعه اجتماعی و نشانه بالندگی نیروی انسانی در کشور محسوب

## بانوی امنیت و الگوی تعهد

تأثیرگذاری فراوانی در اعتلا و توسعه این استان و کشور دارند و بسیاری از این مردان و زنان نمونه‌هایی از شجاعت، علم و تقوا و وطن‌پرستی محسوب می‌شوند.

استان سیستان و بلوچستان، خاستگاه مردمان صبور و دیار پیوند ناگسستنی اقوام و مذاهب، بستری است که پاسداری از امنیت و سرمایه اجتماعی آن، نیازمند رویکردی افتاعی، عاطفی و مبتنی بر کرامت انسانی است و شهیده افتخاری با درک دقیق این ضرورت، همواره پیوند دگر با نوان

آماده می‌کند. مدیریت این رستوران زمانی که متوجه حضور یک هیئت عالی رتبه سیاسی در این مکان می‌گردد غذای ویژه‌ای آماده می‌کند که آیت‌الله خامنه‌ای ضمن تشکر، از پذیرش آن امتناع می‌کند و همان غذای معمولی را که همه مردم از آن تناول می‌کردند، ترجیح می‌دهد.

گفتنی است این رستوران که با نام چینی «هونگ بین لوو» فعالیت می‌کند در یک بخش از نمای رستوران، تصویر فوق را در کنار تصاویر سایر شخصیت‌های چین و کشورهای دیگر که به این رستوران مراجعه کرده‌اند، به نمایش گذاشته است.

در این تصویر و در کنار رهبر شهید آیت‌الله خامنه‌ای، دکتر ولایتی وزیر امور خارجه وقت نیز حضور دارد.

این سفر با حاشیه‌هایی همراه بود که جذابیت رسانه‌ای داشت؛ از جمله آنکه قبل از نشستن هواپیمای حامل تیم ایرانی به فرودگاه یکن، اعلام می‌شود که به‌دلیل بیماری رهبر چین، دیدار وی با رئیس‌جمهور ایران و هیئت همراه لغو شده است.

از ابتکارات آیت‌الله خامنه‌ای این بود که پس از اطلاع از این موضوع، دیدار با مقامات دیگر چنین را لغو کردند تا به‌صورت غیرمستقیم این پیغام را به چینی‌ها بدهند که سطح نمایندگان ملت ایران کمتر از رهبر چین نیست. این مسئله باعث شد که نخست‌وزیر چین شخصاً برای عذرخواهی به حضور آیت‌الله خامنه‌ای برسد.

دکتر علاءالدین بورجودی سفیر وقت ایران در چین ماجرا را این گونه روایت می‌کند: «نخست‌وزیر چین از محل کنگره خلق به محل اقامت رئیس‌جمهور ایران آمد و از همان دور، با صدای بلند گفت: کوچک‌تر به دیدار بزرگ‌تر آمده است!» بعد وارد اتاق شد. حدود یک ربع با آقا صحبت کرد و گفت: ما نه‌ای احترام به مهمان را، به‌خصوص شخصیتی مثل جناب عالی، وظیفه خود می‌دانیم. مشکل بیماری رهبر چین جدی است و پزشکان ایشان را ممنوع‌الملاقات کرده‌اند. با این حال، ما موضوع ملاقات را بررسی می‌کنیم تا حل شود».

در اسفندماه ۱۳۶۷ سفری به یوگسلاوی داشتند. یوگسلاوی آن زمان مرکب از چند ایالت بود که بعداً هر کدام‌شان یک کشور شد: کرواسی، مونته‌نگرو و صربستان. ریاست‌جمهوری یوگسلاوی هم بین این تعداد ایالت‌ها گردشی بود. وقتی ما به بلگراد مرکز یوگسلاوی رفتیم، جزو درخواست‌هایمان این بود که حتماً با سفرر آقا به سارایوو مرکز بوسنی که مردم‌شان مسلمانند موافقت کنند. برای مقامات یوگسلاوی هم آسان نبود که بپذیرند یک رهبر بلند پایه مذهبی ولو در کسوت رئیس‌جمهور برود و از جایی بازدید کند که برای آنها ملت لانه زنبور است.

خلاصه اینکه آقا از بلگراد به سارایوو رفتند و در مسجد ساریوو نماز خواندند و بعد هم به کتابخانه غازی و خسروبیگ رفتند که در آنجا کتاب‌های اسلامی قرار داشتند. به نظر من مجموعه یک مدرسه طلبگی هم داشت که موقعی که آقا وارد آن شدند دعای از همین طلبه‌های بوسنیایی و روحانیون آنجا آمده‌اند به استقبال آقا. ما تا حالا روحانی مسلمان به این شکل و شمایل و قد‌های بلند و موهای بور ندیده بودیم. جمع بدیعی درست کرده بودند و البته کوچه و بازار هم پر از جمعیتی بود که به استقبال آمده بودند از آنجا که بر گشتیم دیری نگذشت که

یوگسلاوی فروپاشید و جنگ شروع شد. ما می‌خواستیم به آنجا برویم اما مشکل امنیتی داشتیم. یعنی صرب‌ها هواپیماها را می‌انداختند. از طرفی چون آقا فرموده بودند هر دیدیم می‌توانید بکنید تصمیم گرفتیم که حتماً به آنجا برویم. همان زمان در اخبار آمد که یکی از وزرای ایرکای مدتی قبل از ما به بوسنی رفته بود که صرب‌ها هواپیماها یا هلیکوپترش را انداختند و او کشته شد. در این شرایط بود که ما رفتیم. به ما گفتند که هواپیما، هواپیمای ایلوشین است که صرب‌ها به سمت آن شلیک نمی‌کنند و مال او کرایون است. سوار که شدیم دیدیم وسط هواپیما، کانترین‌هایی گذاشته‌اند و بین کانترینر و بدنه هواپیما نشستیم وقتی خواستیم پیاده شویم به ما گفتند که شما جلیقه ضد گلوله بپوشید و کلاه بگذارید. ما مشورت کردیم و بالاخره تصمیم گرفتیم که این کار را نکنیم. گفتیم ما آمده‌ایم اینجا به مسلمان‌های بوسنی بگوییم ما می‌خواهیم کمک‌تان کنیم.

ما این طرف باند که پیاده شدیم به ما گفتند آن طرف باند، که تیراندازهای صرب نشسته‌اند و لذا شما از بین کانترینرهایی که آنجا گذاشته بودند بروید تا گلوله نخورید. بعد رفتیم به شهر. هر کاری می‌توانید بکنید. من مدتی است مکررم در می‌کند بعید نمی‌دانم این فجایی که بر سر مسلمانان بوسنی می‌آید در این کساتل من نقش وقتی وارد شدیم آقای عزت بگوییچ از ما استقبال داشت. در آستانه فروپاشی شوروی و بلوک شرق بود که یوگسلاوی سابق، آقا در زمان ریاست‌جمهوری



توکل شد و محمد غرضی به جای مرتضی نبوی آمد. همچنین به جای حبیب‌الله عسگراولادی هم ابتدا حسن عابدی‌جعفری و سپس عبدالحسین واهجی آمد.

شرایط به گونه‌ای پیش رفت که میرحسین موسوی استعفاى خود را در ۱۵ شهریور ۱۳۶۷ خورشیدی تقدیم رئیس‌جمهوری کرد که البته پذیرفته نشد و او تا زمان پایان ریاست‌جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای نخست‌وزیر ماند و در نهایت با همه‌پرسی بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ مقام نخست‌وزیری از ساختار سیاسی ایران حذف شد.

**دیدگاه‌ها در مورد نخست‌وزیری**

در بازنگری قانون اساسی سال۱۳۶۸ یکی از محورهای اساسی بازنگری، حذف نخست‌وزیری بود که با سپردن اختیارات و وظایف نخست‌وزیر به رئیس‌جمهوری و وسعت بخشیدن به حوزه اختیارات رئیس‌جمهوری، مشکلات حقوقی و عملی را مرتفع می‌کرد.

**بیماران شیمیایی**

حضور آیت‌الله خامنه‌ای- در مناطق شیمیایی شده برای بررسی منطقه و شرایط و اوضاع- به‌عنوان رئیس‌جمهور در حالی که امکان زیادی برای ادامه مجدد جنگنده‌های دشمن و یا حملات توطئه‌انه‌ای تصور می‌شد به لحاظ سیاسی و رسانه‌ای و عوامل روحی و روانی دارای پیامدهای بسیار مؤثر و سازنده بود.

صدام که به برتری نظامی دست یافته و از رویکرد قدرت‌ها مطمئن بود، در ۱۳۶۶/۱۲/۲۵ به بهانه همکاری مخالفان کرد عراقی با نیروهای ایران، به بمباران شیمیایی گسترده حلبچه (کردستان عراق) اقدام کرد که منجر به کشتار

سریع پنج هزار غیرنظامی عراقی شد؛ سپس به کمک سلاح‌های شیمیایی، شبه‌جزیره فاو را تسخیر کرد و به برتری نظامی دست یافته و از ۱۳۶۶/۱۲/۲۵ پس گرفت و نیروهای ایرانی را عقب راند و در خاک ایران (شلمچه، جزایر مجنون) پیش رفت. در همان روزها آمریکا به تلافی برخورد ناو جنگی‌اش با مین‌های ساخت ایران، دو پایانه بزرگ نفتی، سه ناو جنگی و سه قایق تندرو ایران را منهدم کرد.

در این زمان، به‌رغم فشار آمریکا برای تحریم تسلیحاتی ایران، توجه جامعه بین‌المللی به کاربرد سلاح‌های شیمیایی به‌دست صدام، جلب شده بود. در هفت سال، عراق ۲۵۲ بار مردم و نظامیان ایران را هدف سلاح‌های شیمیایی قرار داده بود و ۶۵۸۶۹ نفر را کشته یا مجروح کرده بود. بالاخره برای نخستین بار در ۱۳۶۷/۲/۱۹ قطعه‌نامه ۶۱۲ در محکمت کاربرد سلاح‌های شیمیایی تصویب شد.

از سوی دیگر، در ۱۳۶۷/۳/۱ یکی از پیشرفته‌ترین کشتی‌های جنگی دنیا متعلق به



آمریکا، یعنی «وینسنز» وارد آب‌های خلیج‌فارس شد. این رزم‌ناو که مجهز به پیشرفته‌ترین سیستم رادار جهانی بود، در ۱۳۶۷/۴/۱۲ حمله به هواپیماهای مسافربری «ایران ایر»، ادعا کرد آن را با جنگنده F۴۱۶ اشتباه گرفته است. تمامی ۲۹۰ سرنشین پرواز ۶۵۵ هواپیمایی «ایران ایر» کشته شدند.

دو روز بعد ایران مستقیماً به رئیس شورای امنیت، نامه نوشت و تشکیل فوری جلسه برای رسیدگی به جنایت آمریکا را درخواست کرد. به‌رغم تلاش‌های ایران، نتیجه جلسات شورای امنیت که به این منظور تشکیل شد، تصویب قطعه‌نامه ۶۱۶ در جلسه ۱۳۶۷/۴/۲۹ بود که بدون محکومیت خاطی، تنها به خطای ناو «وینسنز» اشاره کرد و در بند ۵، اجرای فوری و کامل قطعه‌نامه ۵۹۸ را تنها راه‌حل جامع، عادلانه، پایدار و شرافتمندانه جنگ ایران و عراق دانست.

زنان و مساندان در برابر آسیب‌های جسمی، روحی و اجتماعی، راه آموزش، آگاهی‌بخشی و اعتمادسازی را دنبال می‌کرد.

**مطالبه عمومی برای مجازات عاملان ترور**

آیین تشییع پیکر مطهر این شهیده خدمت و امنیت، با حضور پرشور و گسترده اقشار مختلف مردم نجیب زاهدان، خانواده‌های معظم شهءاد، فرماندهان نظامی و انتظامی، علما و معتمدان و شیعه و اندلسنت و عشایر غیور منطقه برگزار شد. تشییع کنندگان یک چشمانی اشک‌سبار اما گام‌هایی استوار، منعم تجدید بیعت با آرمان‌های والای انقلاب اسلامی، اقدام مذموبخانه و ترورستی بدخواهان وحدت امتن اسلامی را به‌شدت محکوم کردند و شناسایی سریع، قاطع و مجازات عاملان این جنایت را خواستار شدند.

شهیده نصرت افتخاری معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان سیستان و بلوچستان جمعه گذشته ۱۷ مهر حین انجام مأموریت در محور چشمه‌یارت زاهدان بر اثر حمله ترورستی گروهک منافذ به شهادت رسید. شهادت این بانوی مدیر و مادر فداکار، سندی ماندگار از نقش بی‌بدیل زنان متعهد در پاسداری از ثبات اجتماعی و تقویت همبستگی ملی در پهنه پهناور ایران اسلامی خواهد ماند.

منبع: خبرگزاری جمهوری اسلامی

که کابینه تغییر نکند و روش کابینه سابق ادامه پیدا کند و ما فعلاً نیازی به تغییر نمی‌بینیم»

**کابینه نامتجانسی و دوگانه میر حسین موسوی**

بعد از گذر از دوران موقت و انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای به ریاست‌جمهوری در دور اول ریاست‌جمهوری، بار دیگر بحث انتخاب نخست‌وزیر به میان آمد تا علی‌اکبر ولایتی، مصطفی میرسلیم، محمد غرضی، حسن غفوری‌فرد، علی‌اکبر پرورش و میرحسین موسوی نامزد این پست شوند که از میان آنها موسوی نخست‌وزیر و ولایتی بر کرسی وزارت امور خارجه نشست.

نخست‌وزیر به علت گرایش‌های سیاسی دوگانه نیروهای خط‌امام(ره) در آن زمان، ترجیح داد که کابینه‌ای ائتلافی از هر دو جریان تشکیل دهد؛ اما این ترکیب نامتجانس با اختلاف و دودستگی همراه شد. دیدگاه موسوی که تفاوت‌های بنیادی با سیاست‌های جناح راست آن زمان داشت؛ به همراه اختلاف‌های دیگر موجب شد تا هفت تن از اعضای کابینه در اواسط سال ۱۳۶۲ تصمیم به استعفا بگیرند.

حبیب‌الله عسگراولادی درباره استعفاى خود و آن ۶ تن دیگر می‌گوید: «در آن زمان ما هفت نفر در دولت بودیم که روش‌های ایشان (میرحسین موسوی) را نمی‌پسندیدیم و تصمیم داشتیم هر هفت نفر از دولت کناره‌گیری کنیم. نامه‌ای به امام(ره) نوشتیم؛ ولی امام(ره) این تصمیم ما را قبول نکردند و اجازه ندادند. بعد از یک مرحله، امام(ره) فرمودند هر کس می‌داند استعفاى او ضرری نمی‌رساند، مجاز است استعفا کند و من استعفا دادم.»

**حذف نخست‌وزیری از ساختار سیاسی**

آیت‌الله خامنه‌ای بارها در طول ریاست‌جمهوری به‌طور آشکار سیاست‌های اقتصادی میرحسین موسوی و عدم هماهنگی‌های وی را مورد نقد قرار داده بود. هاشمی رفسنجانی در این باره در خاطراتش می‌نویسد: «شب با آقای خامنه‌ای جلسه‌ای طولانی داشتیم، درباره کابینه آینده، ایشان مایل نیست که مهندس موسوی (مجدد) نخست‌وزیر شود. خط اقتصادی ایشان را قبول ندارند. از من توقع دارند که همراهی کنم. قرار شده ایشان این مسئله را با امام در میان بگذارند. مشکل را جدی می‌بینم، دو سلیقه در مورد وزرا و برنامه‌ها (رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر) در طول چند ماه گذشته، نتوانسته‌اند در مورد سه وزیر دفاع، برنامه و بودجه و راه و ترابری توافق کنند»

محمد کاظم انبارلویی از اعضای مؤتلفه اسلامی در مورد این‌دوره می‌گوید: «حال کشمکشى میان احزاب و نیروهای سیاسى برپا شده بود که نخست‌وزیر چه کسى باشد،



عزیزالله محمدی(منتقدافچی) باز خوانی مدیریت بحران توسط رهبر شهید

# راهنما برای مسیر انقلاب

از ضعف عملکرد نخست‌وزیری و ناهماهنگی کابینه با رئیس‌جمهور می‌دانستند. بنابراین فرصت را مغتنم شمرده و به نقد نخست‌وزیر پرداختند.

در همین راستا، سید محمود کاشانی که به‌عنوان حقوقدان از سوی شهید رجایی مسئول پیگیری حقوقی دعایوی ایران و آمریکا شده بود، در نطق تلویزیونی خود به روند «مذاکرات الجزایر» پرداخت و عملکرد شخص نخست‌وزیر وقت میرحسین موسوی و بهزار نبوی- رئیس هیئت مذاکره‌کننده ایرانی- را به زیان ملت ایران توصیف کرد و نتیجه این مذاکرات را تحمیل تعهدات ناروا به ملت ایران» برشمرد.

ایین اقدام با واکنش شدیدی موسوی، نخست‌وزیر، مواجه شد و او طی سخنانی که چند بار در رادیو و تلویزیون پخش شد؛ ضمن دفاع از عملکرد خود، به تخطئه سیدمحمود کاشانی پرداخت و هه‌زمان به روزنامه‌ها دستور داد، از انتشار اظهارات کاشانی خودداری کنند. کاشانی ناچار شد، طی گزارشی مفصل، مستندات خود را در قالب یک جزوه در اختیار مردم قرار دهد؛ اما این جزوه پس از چاپ توقیف شد و با چاپخانه‌ای که آن را چاپ کرده بود، شدیدا برخورد گردید!

ریاست‌جمهوری شدند.

برگزار گردید. در این انتخابات ۱۴ میلیون و ۲۳۸ هزار و ۵۸۷ نفر شرکت کردند و در نتیجه آن، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با کسب ۱۲ میلیون و ۲۰۵ هزار و ۱۲ رأی (حدوداً ۸۵ درصد آن)، مجدداً به‌عنوان رئیس‌جمهور ملت برگزیده شدند.

**بر مدار تاریخ**

پس از انفجار دفتر نخست‌وزیری و شهادت رجایی و باهنر، شورای ریاست‌جمهوری وظیفه اداره کشور را به‌عهده گرفت. در این میان امام خمینی(ره) تأکید کردند که جای نیروهای از دست رفته سریعاً پر شود و پست‌ها فاقد مسئول نماند؛ به همین دلیل در همان ساعت‌های نخست پس از انفجار، مذاکره و مشاوره برای تعیین نخست‌وزیر آغاز شد تا اینکه پس از صحبت‌های طولانی، شورای موقت ریاست‌جمهوری، آیت‌الله محمدرضا مهدوی کنی، وزیر کشور دولت رجایی را به‌عنوان نخست‌وزیر به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد داد.

در جلسه مجلس، مهدوی کنی به‌عنوان نخست‌وزیر رأی اعتماد گرفت تا برای مدت تقریباً سه ماه نخست‌وزیر ایران شود. همه پست‌ها مشابه کابینه شهید باهنر بود، تنها سید کمال‌الدین نیکروش را به جای خود در کابینه گذاشت و برای سمت وزارت راه هادی نژادحسینیان را معرفی کرد.

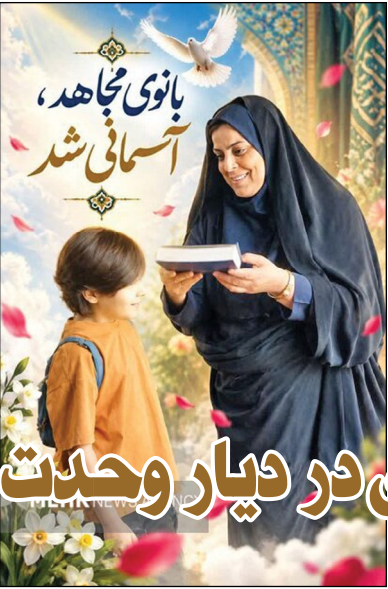
در مشروح مذاکرات مجلس آمده است که آیت‌الله مهدوی کنی در دفاع از کابینه خود گفته است: «ما ۲ وزیر به کابینه اضافه کردیم. بقیه وزرا همان وزرای سابق هستند. بنا بر این بود

وجود ندارد. او نه در حصار اتاق‌های اداری، بلکه در عمق جامعه و میدان‌های دشوار اجتماعی، مفهومی اصیل از تعهد و مدیریت میدانی را معنا بخشید. نگاه او به مدیریت فرهنگی و اجتماعی انتظامی، معطوف به خدمت بی‌منت در مناطق کم‌برخوردار، تعامل با خانواده‌ها و شنیدن دغدغه‌های مردم از کانون روستاها تا مناطق شهری بود؛ مسیری که در کنار توانمندسازی همکاران و ارتقای سرمایه اجتماعی پلیس، جایگاهی والا در دل‌های مردم منطقه برای وی رقم زد.

**زنان ایران پای وطن ایستاده‌اند**

شهادت این بانوی فرهیخته و مسئول، بازتاب گسترده‌ای در محافل مدیریتی و اجتماعی کشور داشت. در پی این ضایعه اندوهر، زهرا بهروزآرد معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده در پیامی این اقدام ترورپرستی و محکوم و شهادت وی را تسلیت گفت.

معاون رئیس‌جمهور تأکید کرد: «شهادت سرهنگ‌دوم خاتم دکتر نصرت افتخاری، معاون فرهنگی و اجتماعی فرماندهی انتظامی سیستان و بلوچستان، در مسیر خدمت به مردم، ضایعه‌ای تلخ و اندوهبار است. این بانوی فداکار با خدمت و جان‌فشانی خود بار دیگر نشان داد که زنان ایران، دوشادوش مردان، پای وطن ایستاده‌اند و در پاسداری از امنیت مردم و همبستگی اجتماعی



و اهل‌سنت، بزرگان طوایف و اقشار مختلف مردم را رسالت اصلی خود می‌دانست.

از این میان، زندگی و شهادت نصرت افتخاری الگویی عینی از این حقیقت روشن است؛ بانوی فرهیخته که با وجود مسئولیت خطیر مادی و پرورش پنج فرزند (چهار پسر و یک دختر)، میدان خدمت را رها نکرد و نشان داد که میان تعهد به کانون گرم خانواده و ایثار در عرصه عمومی تضادی